

برخورد نزدیک از نوع سوم

نشسته‌ای پشت میز صبحانه. لقمه‌ها را یکی بعد از دیگری به سرعت فرو می‌دهی تا زودتر خانه را به سمت محل کار ترک کنی.



جام جم آنلاین: نشسته‌ای پشت میز صبحانه. لقمه‌ها را یکی بعد از دیگری به سرعت فرو می‌دهی تا زودتر خانه را به سمت محل کار ترک کنی.

توی چرخش کانال‌های تلویزیون دستت روی کانال 2 می‌ماند. چشمانت نیز. چند مجری ایستاده‌اند. با هیجانی وافر با هم حرف می‌زنند. هرکدام با انرژی زیادی خبرها و سخنان مربوط به خود را برای بیننده بازگو می‌کنند. آنها پنج نفرند که به انضمام تهیه‌کننده شش نفر می‌شوند.

همه جلوی دوربین هستند و برنامه را دسته جمعی اجرا می‌کنند. گاه حتی ما نیز از نگاه دوربینی به برنامه نگاه می‌کنیم که از قاب آن، دوربین‌های دیگر نیز دیده می‌شوند.

بله درست حدس زدید. ساعت از هفت صبح گذشته است و قاب تلویزیون برنامه صبحگاهی «روز از نو« را نشان می‌دهد. برنامه‌ای که تا پیش از این، به این شکل اجرا نمی‌شد.

حالا تهیه‌کننده جلوی دوربین آمده و نکته‌ای را به بینندگان گوشزد می‌کند. آن طرف‌تر دوربین اصلی می‌بردمان به اتاقی که مجریان در آن برای گریم و صحبت می‌روند.

بیننده‌ای که عادت ندارد به دیدن پشت صحنه و شنیدن صحبت‌های عوامل تولید یک برنامه، با دیدن این صحنه‌ها ابتدا کمی جا می‌خورد. بعد کم‌کم حس تعجب به لذتی خوشایند تبدیل می‌شود.

این‌که تمام عوامل پشت صحنه را ببینی، این‌که مجریان با هم گپ بزنند و از هر دری با تو صحبت کنند به نوعی حس متفاوتی را به تو منتقل می‌کند.

بعد پیش خودت فکر می‌کنی که چقدر دلت برای یک اجرای شلوغ و بی‌آلایش فارغ از چارچوب‌های یک برنامه زنده لك زده بود.

انگار توی استودیو ایستاده‌ای و برنامه را از همان نزدیک تماشا می‌کنی یا این‌که توی یک جمع خودمانی نشسته‌ای و هرکسی چیزی را که خوانده است و می‌داند، برایت بازگو می‌کند.

بعد به این فکر می‌کنی که این‌گونه از برنامه‌ها با این‌که هنوز در مرحله آزمایش هستند اما شاید سبکی نو در برنامه‌های مجری محور تلویزیون را باعث شوند که تا پیش از این شاید اهمیت چندانی به آن داده نمی‌شد. سبکی که تغییر سلیقه مخاطب را جدي گرفته است.

تغییری که نرم نرمک رخ می‌دهد و تنها کمی زیرکی و اندکی خلاقیت می‌خواهد تا مخاطب گریزی‌پای کنونی را مقابلهت بنشانی مخاطبی که جذب کارهایی می‌شود که بیش از پیش به او توجه کند و او را محرم برنامه بداند و او را به درون ماجراهای استودیو دعوت کند... حالا به ساعت نگاه می‌کنم و صبحانه‌ای که نیمه‌تمام مانده است.

مهرآوه فردوسی - جام جم